



جریان‌شناسی مراجع فکری جوانان در انقلاب اسلامی

# تربیت ایدئولوژیک از مسیر سلوک اخلاقی

در اواخر دهه ۶۰ و دهه ۷۰، در حالی که روشنفکران انقلابی رفته رفته در گیر مواجعه دوقطبی انتخاب میان اسلام انقلابی و اسلام لیبرال می شدند، فضای فکری جوانان انقلابی شاهد بروز و نمود شخصیت‌هایی شد که با عینکی متفاوت به مسئله هدایت فکری جوانان می‌نگر بستند: تربیت. کثرت افرادی که در آن ایام به تشریح مسائل ایدئولوژیک و فلسفی و نقد ایدئولوژی‌های معارض می‌پرداختند، برخی اسامی را دور تر از این حجم هباهو نگه داشته بود و از آن مه بودند افرادی چون مرحوم علی صفای حائری و اصغر طاهرزاده.

■ ■ ■

■ **عین -صاد: روشنفکری ادیب در حوزه علمیه**
علی صفای حائری که در نوشته‌هایش از قبل انقلاب تخلص «عین-صاد» را برای خود برگزیده بود، نماینده نسل ویژه‌ای میان طلاب حوزه علمیه قم بود که با بهره‌گیری از عناصر نوین تبلیغ اعم از ادبیات و تأکید بر اصل مری محوری، تربیت نفوس به صورت چهره به چهره را دنبال می‌کرد. اعتقاد صفای حائری این بود که اگر قرار است انقلابی شکل گیرد و هدایت‌انسان‌ها را به سوی مسیر تکاملی اسلام به عهده گیرد قبل از هر چیز نیازمند تربیت انسان‌هایی است که باید با این مسئولیت و سازندگی را بر دوش بگردد. لذا در روش مبارزه با طاغوت نیز قیام به قلم و مبارزه تربیتی را مرجع می‌دانست. در آثار عین-صاد می‌شد تفکری ردمحور تربیتی و تشکیلاتی را جست‌وجو کرد که در بطنحوه مبارزات ایدئولوژیک کمتر مورد توجه بود.

صفای حائری شیوهای جدید در تربیت اخلاقی و سلوک دینی بنا نهاد. او در این راه بر تجربه شهود تأکید ویژه داشت و آن را عامل تحول در زندگی خود و بسیاری دیگر می‌دانست. او پس از انقلاب هم همین مسیر تربیت شاگردان را برگزید و از حوزه فعالیت‌های اجرایی و سیاسی دور ماند. جذابیت عین-صاد در مواجهه با طیف‌های مختلف و توانیبت انتخاب کنی که همه را خوش بیاید. گوناگون بساوی در ارتباط بودند. این ارتباط طیف‌های مختلف مردمی با یک طلبه البته دردرس‌های زیادی نیز برای او داشت و بسیاری در حوزه و او را به دلیل رفت و آمد با طیف‌های خاص، غیرانقلابی و غیرمکتبی می‌دانستند. خود صفای البته این مواجهه‌ها را این‌گونه در بخشی از وصیتنامه‌اش توضیح می‌دهد: «این‌جا بهشت نیست که تو کلکسیون آدم‌های خوب بسازی و بچه‌هایی با آن مشغلت و توانیبت انتخاب کنی که همه را خوش بیاید. تو باید در برابر خدا حجت داشته باشی که چرا فالتی را با این که طالب بود و جاهل بود، رها کردی و با خوب‌ها الفت بستی. تازه، این لکزه‌د از ۱۰۰ تا ۵۰۰ تایش را پاک کرده ولی فلان صالح پس از ۲۰ سال هنوز دو تا عییش‌را نصف نکرده. اگر بناست رفیقی بگیري از کسانی بگیر که رو به پیشرفت هستند، حتی اگر عییشان زیاد است، نه از آنها که مانده‌اند، حتی اگر عییشان یکی است، که این یکی می‌زاید و آن عیب‌های زیاد می‌میرد و صالح می‌شود.»

می‌توان گفت موضوع «تربیت» مهم‌ترین دغدغه فکری صفای بود و این مسئله را از مجموعه کتاب‌هایی که با عنوان عمومی «روش تربیتی» تألیف کرد و به چاپ رساند می‌توان فهمید.

به عنوان برخی مهم‌ترین آثار عین-صاد می‌توان از رشد، مسئولیت و سازندگی، انسان در دو فصل، روش نقد، استاد و درس، روش برداشت از قرآن، تطهیر با جاری قرآن، درس‌های از انقلاب، از معرفت دینی تا حکومت دینی، نظام اخلاقی اسلام و نامه‌های بلوغ نام برد.

به‌روز بودن، فراگیر بودن، نظام و انسجام داشتن، روشمند برخورد کردن، و نقدها را به جای شاخ و برگ‌ها به بنیان‌ها کشاندن و امکان قضاوت عمیق نسبت به نظریات را برای مخاطب فراهم کردن از مهم‌ترین شاخص‌های دیدگاه و تفکر عین-صاد بود.

قلم فصیح و رسای علی صفای از مطالعه‌وافر دوران

نوجوانی‌اش سرچشمه می‌گرفت که به‌قول خود ۲۰۰ هزار صفحه از ادبیات معاصر را در آن ایام خوانده بود.

■ **بی‌حاشیه پر حاشیه**

هرچه عین-صاد شخصیتی کم‌حاشیه و انزواگزین داشت، حواشی بسیاری برایش ایجاد شد. او بخش‌هایی از این حواشی را در وصیتنامه خواندنی خود آورده است. از اتهاماتی چون مریدپروری و حجتی‌های بودن گرفته تا مخالفت با انقلاب اسلامی مواردی بود که همواره در فضای حوزه علمیه درباره او مطرح می‌شد. افکاری اگرچه در طول مسیر پرفراز و نشیب و البته کوتاه‌زنگی خود متمم به غیرانقلابی بودن شد، اما وی خودش را همراه همیشگی انقلاب و سرنشین کشتی انقلاب می‌دانست. به اعتقاد او، «اگر عیب‌های این کشتی دیده نشود در مسیرهای برتوفان حتماً سرنشینان را به کام می‌کشد» او خواهد فرستاد. می‌گفت بسیار فرق است بین کسی که می‌خواهد ماشینش را بفرودش و کسانی که قصد سفر با ماشینش را دارد. فروشنده عیب‌ها را مخفی می‌کند و مسافر به کمک دیگران ریزترین عیب‌ها را پی می‌گیرد تا در راه نماند. لذا نگاه انتقادی او به مسائل انقلاب از همین جنس بود و تلمذ شاگردان عین-صاد در محضر وی با استفاده از آثار او نیز چنین نگاه انتقادی را در شاگردانش تروی می‌دهد.

او از ابتدای انقلاب نیز معتقد به ضرورت جلوگیری از انحرافات میان برخی افراد و نگرش‌ها بود و چنین هشدار می‌داد: «سازمان‌های مذهبی و انقلابی جدید در روابط داخلی‌شان تابع همان روابط سازمانی هستند، در حالی‌که در برابر رهبری روابط دیگری دارند و رهبری با اینها و با مردم و توده‌های میلیونی یک نوع رابطه دیگری را به کار می‌گیرند، این نهادها تأسیس شده بودند که زمینه‌ساز رهبری و ولایت فقیه باشند، می‌بینیم این مقام رهبری است که زمینه‌ساز اینها و پاسدار و پشتوانه آنهاست. این واقعیت‌ها اگر بررسی شوند و این نکته‌ها که وجود دارند و کارساز و مسلط هم هستند، اگر به دست بیایند، می‌توانند تصور و تصویر ما را از مدیریت اسلامی مشخص تر کنند و می‌توانند جایگزین روابط سازمانی نهادهای انقلابی شوند.»

علی صفای حائری نماد یک روشنفکر حوزوی است که همچون طبیبی در پی مداوای بیماران و تربیت راهجویان مسیر انقلاب اسلام است. با وجود اینکه آثار و گفتار او از پیش از انقلاب در جمع طلاب و دانشجویان مطرح بود اما با توجه به مخالفتی که از سوی برخی نهادهای انقلابی با رویکردهای او وجود داشت؛ رسالت تبلیغی او منحصر در حلقه‌های کوچکی باقی ماند تا دهه ۷۰ که برخی فعالان دانشجویی و طیفی از هنرمندان در پی ملجایی با مخرج مشترک فهم درد دینی به او پناه آوردند و او آنان را کنار خود رشد داد و مسیر زندگی برخی را نیز عوض کرد.



علی صفای حائری که در نوشته‌ها یش از قبل انقلاب تخلص «عین-صاد» را برای خود برگزیده بود، نماینده نسل ویژه‌ای میان طلاب حوزه علمیه قم بود که با بهره‌گیری از عناصر نوین تبلیغ اعم از ادبیات و تأکید بر اصل مری محوری، تربیت نفوس به صورت چهره به چهره را دنبال می‌کرد.

## اندیشه

صفای حائری شیوهای جدید در تربیت اخلاقی و سلوک دینی بنا نهاد. او در این راه بر تجربه شهود تأکید ویژه داشت و آن را عامل تحول در زندگی خود و بسیاری دیگر می‌دانست. او پس از انقلاب هم همین مسیر تربیت شاگردان را برگزید و از حوزه فعالیت‌های اجرایی و سیاسی دور ماند

از جایگاه خود متصور است. دست‌بندی فکری طاهرزاده و گفتارهای وی، بیش از آن که نشئت گرفته از بینش فلسفی باشد، معطوف به درک وی از نیازهای انقلاب در شرایط زمانه حاضر است و شاید گزافه نباشد اگر بسیاری از طرح‌های عقیدتی و سیرهای مطالعاتی سپینی گروه‌های دانشجویی را متأثر از مند طاهرزاده در مواجهه با مسائل شناختی انقلاب بدانیم.

نظم طاهرزاده در تقسیم‌بندی مسائل و برخورد روشمند با مباحث و گفتارهای معرفتی را شاید باید مرهون ذهن دانشگاهی وی بدانیم که منجر به حضور چندساله‌اش در حوزه‌های فعالیت صنعتی و مهندسی در سال‌های پیش از انقلاب شد.

■ **نگاه اخلاقی و تربیتی طاهرزاده**

شاید مهم‌ترین وجه تمایز اصغر طاهرزاده با دیگر متفکران انقلاب اسلامی، رویکرد تربیتی-اخلاقی اوست. اصغر طاهرزاده عمر خود را در تربیت شاگردان گذرانده و غالب شاگردان او متمسک به آداب و اخلاق مشابه هستند که برگرفته از رفتار استادشان است.

وجه پررنگ تربیت در دستگاه طاهرزاده به این علت است که او ساخت‌ساحت فردی افراد ارمنشأ تغییر در ساحت اجتماعی می‌داند و به عبارتی پیش از هر چیز «معرفت‌انفس را مقدمه کلیدی در احیای ساحت اجتماعی دین (اکمال انقلاب) می‌داند. توجه طاهرزاده به مباحث تربیتی، او را تا حدودی قابل قیاس با مرحوم علی صفای حائری و شیوه تبلیغی وی کرده است.

طاهرزاده اصبر دارد خود را معلم و مربی بدانند و شاید روح تربیت‌گری را شهید بهشتی در وجود او بیدار کرده باشند که در ابتدای انقلاب از وی

خواست به شغل معلمی در آموزش و پرورش ببردازد. روحیه معلمی را در اصغر طاهرزاده می‌توان در مباحثات و پرسش‌و پاسخ او به سوالات شاگردانش جست‌وجو کرد. سوالاتی که در سایت «لب‌المیزان» به عنوان مرجع اندیشه‌های طاهرزاده از سوی کاربران یا از سوی شاگردان در حلقه‌های درسی مطرح می‌شود،

و این چندوجهی بودن نگاه در اکثر کتب وی سیالیت دارد. طاهرزاده معتقد است از دریچه نگاه خمینی(ره) است که می‌توان به نگاهی جهانی و تمدن‌ساز رسید: «نظریه‌پردازی جهت تدوین علوم انسانی که مطابق اهداف انقلاب اسلامی باشد، زیرساخت‌های فکری مخصوص به خود را می‌طلبد که ریشه در سنت‌های جامعه ما دارد و ماصل زیرساخت‌های فکری خود را باید از اندیشه‌های همه‌جانبه و جهانی حضرت امام خمینی(ره) استنباط کنیم که نظر به اسماءالله دارد و همه‌چیز را از آن منظر می‌گرد.»

یکی از ویژگی‌های گفتار و آثار اصغر طاهرزاده که موجب جذب قشر فرهیخته‌ای از جوانان به آثار وی شده، نظم موجود در دروس و سیر معینی است که وی در مباحث دنبال می‌کند. نظم هندسی که ناشی از ذهن طبقه‌بندی شده طاهرزاده و البته جامعیت گفتارهای او در حوزه‌های مختلف است. مشابه این نظام‌بندی در آثار و گفتار شهید مطهری نیز قابل مشاهده است.

طاهرزاده برای دسته‌بندی روشمند مباحث، پنج عنوان اصلی از نیازهای تربیتی و فکری جوانان و عموم کسانی که بخواهند از دریچه انقلاب اسلامی به معرفت دینی برسند، بیان می‌کند و ذیل هر یک به ارائه مباحثی می‌پردازد که تاکنون در قالب سخنرانی‌ها، جزوات یا کتب انتشار یافته است. عناوین مورد نظر عبارتند از: ۱- «روح به حضرت «الله» تبارک و تعالی !»، شامل تبیین نحوه حضور خداوند در هستی، مباحث سلوکی و اخلاقی؛ ۲- «روح به مظاهر اسماء‌الله در اهل بیت که به شناخت انمه می‌پردازد؛ ۳- انسان‌شناسی که به عنوان مقدمه ورود به مسیر اهل بیت شناخته می‌شود و تحت عنوان معرفت‌انفس مطرح شده است؛ ۴- انقلاب اسلامی به عنوان مسیر ظهور تمدن اسلامی و حکومت اهل بیت بر جامعه که به بررسی شاخصه‌های انقلاب اسلامی و جایگاه آن در نظام هستی می‌پردازد؛ ۵- غرب‌شناسی به عنوان مقدمه‌ای برای شناخت موانع بروز فکری را پوشش می‌دهد، به گونه‌ای که خواننده با مطالعه آنها می‌تواند تا حدود بسیار زیادی با اندیشه‌های اساسی انقلاب اسلامی آشنا شود

فکری خود را بدهد.»

شاید دسته‌بندی فوق‌منطبق بر اساس دسته‌بندی عناصر شناخت فلسفی نظیر «خداشناسی»، «هستی‌شناسی»، «انسان‌شناسی» و «شناخت‌شناسی» نباشد- نظیر دسته‌بندی استاد شهید مطهری(ره)- اما همان‌گونه که گفته شد، نه طاهرزاده فیلسوف و شارح افکار فلسفی است که انتظار داشته باشیم صرفاً مباحث فلسفی را ذیل گفتارهای خود پوشش دهد و نه خود او چنین کارویزه‌ای غافل نیست و برعکس عقل روشنفکری غریزده که از دولت‌ها تحقق اهداف فرهنگ مدرن را مطالبه می‌کند، در صد مطالبات فرهنگی و معنوی است تا بستر تربیت انسان تراز انقلاب اسلامی فراهم شود، انسانی که شخصیت معنوی حضرت امام خمینی(ره) را می‌فهمد و متوجه است حضرت امام در این انقلاب به کجا اشاره دارند.»

■ **رویکرد تفسیری طاهرزاده**

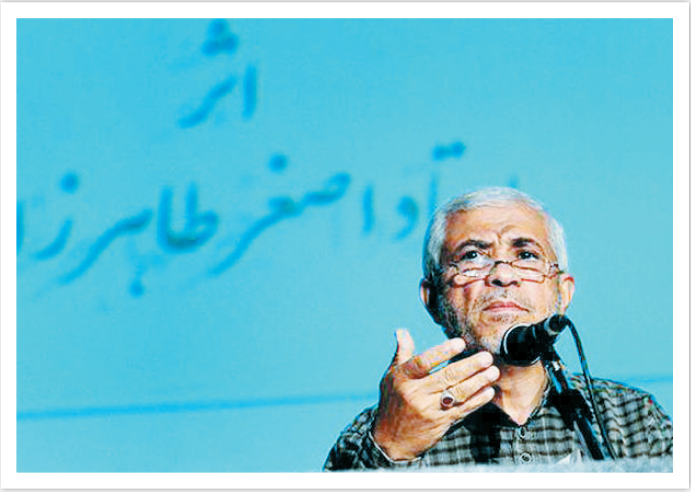
رویکرد قرآنی و تفسیری طاهرزاده در پرداخت به مباحث از ویژگی‌های متمایز ایشان است که در غنی بودن آثار این اندیشمند اثر فراوانی داشته است. طاهرزاده اعتقاد دارد نگرش قرآنی پایه‌ای برای فهم حقیقت عالم و تفکر نسبت به مسایر موضوعات هستی‌شناختی است: «لاگر در قرآن اعضای تشکل‌های دانشجوینی برطرف‌دار است و بسیاری برای درک مسئله تشکیلات و تفهیم جهان‌بینی اسلام مبتنی بر رشد و سازندگی به آثار این دو نفر روی می‌آورد.

او که فهم حقیقت قرآن را به نقل خودش مرهون مطالعه تفسیر علامه طباطبایی است، در روش قرآنی خود از تفسیر علامه بیشترین بهره را برده است چراکه معتقد است علامه طباطبایی جزو آخرین شخصیت‌های دینی است که با شناخت غرب، به تفسیر قسر آن پرداخته‌و از این جنبه می‌تواند برای فهم اجتماعی کاملاً کاربردی باشد: «علامه با آگاهی از مکاتب غربی و فلسفه غرب دقیقاً شبیهاتی که در اروپا، شرق و غرب جهان علیه دین مطرح بود شناسایی کرد و با اخلاصی بی‌نظیر به نقد و بررسی آنها پرداخت. ایشان در تفسیر «المیزان» به مناسبت‌های مختلف با اشاره به افکار بی‌اساس برخی از دانشمندان غربی یا روشنفکران غربزده، معارف ناب اسلامی را مطرح می‌کنند و ضمن شناخت مقتضیات زمان و مکان، در سال‌های دهه‌های ۲۰ و ۳۰ هدایت جامعه را با رفع شبهات به عهده می‌گیرند و افکار جاهلان و مغرضان را پیرامون معارف دینی مورد نقد قرار می‌دهند.»

به عنوان مثال طاهرزاده در رویکرد تفسیری خود و در بحث «سنت سقوط تمدن‌ها از نظر قرآن» با بهره‌گیری از نظرات علامه طباطبایی به لزوم حاکمیت حقیقت بر مناسبات بشری اشاره می‌کند و با استفاده از تفسیر علامه از آیه ۲۰۰ سوره آل عمران، حکومت و تمدن غربی را به انتقاد و چالش می‌کشد.

پس از علامه طباطبایی، طاهرزاده ظاهرآ نگاه ویژه‌ای به آیت‌الله جوادی آملی در تفسیر دارد. شخصیتی که طاهرزاده او را به عنوان «قله علم و تفکر» و «کسی که بالاتر از او در علم نیست» معرفی می‌کند.

علاوه بر ویژگی‌هایی که مورد بحث واقع شد، ویژگی‌های دیگری نیز در آثار طاهرزاده وجود دارد که در جذب نگرش جوانان به تفکر و سیر وی بی‌تأثیر نبوده است. یکی از این ویژگی‌ها، قلم نیکو و روان طاهرزاده است. ادبیات و خوش‌سخنی در کنار لحن ساده و عامه‌فهم، شاید ویژگی مهم طاهرزاده است که بر خلاف بسیاری از شاگردان مکتب فریدید واجد آن است و به جذب عمومی مخاطبان و دست به دست شدن آثار او در دست طیف گسترده‌ای از دانشجویان طالب اندیشه دینی کمک کرده است. طاهرزاده اعتقاد دارد تربیت باید «گرم و جدی» باشد و نه سطحی و غیرجذاب، و هدف از کاربست ادبیات خود را در این راستا می‌داند که «روشن شود می‌توان با جوانان، معارف جدی را با زبان روان مطرح کرد و روح جوانان را در جهتی عمیق سیر داد» و خود



نیز در گفتار و مباحث خود به این مسئله دقت داشته است.

از دیگر ویژگی آثار طاهرزاده، در دسترس بودن آثار اوست به طوری که همه آثار و گفتار وی بی‌چشمداشت مادی در فضای مجازی انتشار می‌یابد که با بررسی استقبال مخاطبین از نمونه‌های مشابه (به عنوان مثال کتب حجت‌الاسلام قرآنی یا مرحوم صفای حائری) می‌توان گفت این سهل‌الوصول بودن دسترسی به آثار، تأثیر زیادی در بسط اندیشه‌وی و شناخت قشر جوان از این شخصیت‌ها دارد.

منش شخصی و سبک زندگی فردی ساده و بی‌تجمل نهادن در این راه می‌کند. اصغر طاهرزاده اعتقاد دارد عقل بدون تربیت یافتگی و فرهنگ، منجر به آسیب جدی برای انقلاب اسلامی می‌شود. «عقلی که موجب قوام انقلاب اسلامی می‌شود، عقلی است که در کنار نظر به معاش مردم از نظر به عالم قدس و معنویت غافل نیست و برعکس عقل روشنفکری غریزده که از دولت‌ها تحقق اهداف فرهنگ مدرن را مطالبه می‌کند، در صد مطالبات فرهنگی و معنوی است تا بستر تربیت انسان تراز انقلاب اسلامی فراهم شود، انسانی که شخصیت معنوی حضرت امام خمینی(ره) را می‌فهمد و متوجه است حضرت امام در این انقلاب به کجا اشاره دارند.»

■ **رویکرد تفسیری طاهرزاده**

رویکرد قرآنی و تفسیری طاهرزاده در پرداخت به مباحث از ویژگی‌های متمایز ایشان است که در غنی بودن آثار این اندیشمند اثر فراوانی داشته است. طاهرزاده اعتقاد دارد نگرش قرآنی پایه‌ای برای فهم حقیقت عالم و تفکر نسبت به مسایر موضوعات هستی‌شناختی است: «لاگر در قرآن اعضای تشکل‌های دانشجوینی برطرف‌دار است و بسیاری برای درک مسئله تشکیلات و تفهیم جهان‌بینی اسلام مبتنی بر رشد و سازندگی به آثار این دو نفر روی می‌آورد.

